

گزاره های دینی و بومی سازی مبنائی در علوم انسانی و سیاسی

دکتر ابراهیم برزگر (barzegar.2010@yahoo.com)

دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۰/۲۰ تاریخ تأیید: ۸۹/۱۲/۱

چکیده

در این نوشتار ابعادی از بومی سازی مبنائی مورد بحث قرار می گیرد. رابطه و سرگذشت متفاوت علم و دین در جهان غرب و جهان غیر غرب بررسی می شود و ضمن اذعان به اینکه تنها راهنمای موثق برای دستیابی به حقیقت، روشهای حسی، مشاهده ای و پوزیتیویستی نمی باشد، بلکه معرفت وحیانی، رویای صادقه و جز آن نیز می تواند راههای دیگری باشد. معرفت وحیاتی می تواند مجموعه ای از قوانین عام اجتماعی را بیان کند و یا به ترسیم چشم اندازی از آینده بپردازد. آموزه های مذهبی و هنجارهای دینی نظیر رهیافت عقلایی می تواند رفتارهای مومنان را قاعده مند کند و رفتارهای تکرارپذیر و منظم در جهان دینی مومنان ایجاد کند و آنها را پیش بینی کند. چون قواعد دینی یکسان، تکرارپذیر و قاعده مند است، رفتارهای مومنان نیز خصلت تکرارپذیری و قاعده مندانه دارد. گزاره های دینی در ابعاد اعتقادات، اخلاقیات و احکام می تواند دستمایه فرضیه پردازی، قانون پردازی و نظریه پردازی قیاسی باشد و یا امکانات پژوهشی جدیدی را جهت نقد و نقادی نظریه های موجود فراهم کند. سنت های قرآنی نیز جلوه دیگری از قانونمندی های تاریخی در همه عصرها، زمانها و مکانها را افشا می کند. این نظم ها صرفاً با بررسی بلوک های تاریخی بزرگ هزار ساله و کمتر از آن قابل بررسی است.

واژه های کلیدی: معرفت وحیانی، رفتار قاعده مندانه مومنان، بومی سازی بنیادی علوم انسانی و سیاسی.

نسبت علم تجربی و دین از دیرباز در جهان غرب مسئله وارده بوده و تعارضاتی بین این دو بروز کرده است. تعارضات علم و دین صرفاً در خاستگاه غربی آن و اندیشمندان مسیحی قرون وسطایی و علم زدگان آن سامان رخ داده است. نقطه آغازین چالش بین علم و دین در صورت بندی جدید آن، رأی گالیله (۱۶۴۲-۱۵۶۴) در خصوص گردش زمین و سایر سیارات به دور خورشید می-داند (تقیان، ۱۳۸۵، ص ۱۰). نسبت علم تجربی و دین در اسلام و جهان اسلام چگونه است؟ فرضیه این نوشتار آن است که بین قوانین و یافته‌های حقیقی علم و آموزه‌های راستین دین، تعارضی وجود ندارد. همچنانکه تعارضی بین عقل مذهب و آموزه‌های دینی وجود ندارد، فراتر از آن معرفت و حیاتی می‌تواند ما را به سوی مجموعه‌ای از قوانین عمومی در اجتماعات رهنمون سازد و یا دستمایه نظریه‌سازی قیاسی و تولید علم قرار گیرد و مبنایی برای ایجاد نوعی از عقلانیت در «جهان مسلمانی» واقع شود.

تعریف بومی‌سازی مبنایی

بومی‌سازی بنیادی یا تولید علم مبنایی به جهان‌نگرشی دینی اطلاق می‌شود که می‌تواند سکویی برای نظریه‌پردازی قرار گیرد. همان سان که سکولاریسم، اومانیزم، دنیا محوری از جمله بنیادهای ذهنی علوم سیاسی و انسانی مغرب زمین است. در این بومی‌سازی «پس از کسب اشراف لازم بر نظریه‌ها و علوم جدید مغرب زمین، به میراث یا تراث اسلامی اعم از قرآن و سنت و نیز سنت‌های غربال شده و صحیح توجهی کانونی می‌شود» (فاروقی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۸).

با بومی‌سازی مبنایی، «کسوف خداوند» در علوم طبیعی، فلسفه و علوم تجربی و همه چیز پایان می‌پذیرد. توضیح آنکه «مارتین بوبر» فیلسوف متأله آلمانی، وضعیت برهه زمانی که اینک جهان از سر می‌گذراند را با واژه «کسوف خداوند» مفهوم سازی می‌کند. «کسوف خداوند»، حادثه‌ای است که بین خداوند و دیدگان ما صورت می‌گیرد نه در نفس خداوند (بوبر، ۱۳۸۰، ص ۴۱). درست مانند کسوف خورشید که چیزی بین خورشید و خود «ما» حائل می‌شود و اتفاقی در نقش خورشید واقع نمی‌شود، در مورد کسوف خداوند نیز همین طور است؛ یعنی چیزی بین ما و خداوند حائل و حجاب شده است. نه اینکه اتفاقی درباره خداوند رخ داده باشد. آن طور که نیچه می‌گوید «مرگ خداوند» رخ داده باشد. یا آن طور که «سارتر» می‌گوید و از «سکوت خداوند» یاد می‌کند که به طور تلویحی به معنای «مرگ خداوند» است؛ یعنی خداوند قبلاً با ما سخن گفته است و اکنون

صامت است. هایدگر نیز با واژگان «تولد دوباره خداوند» بعد از مرگ، مفهوم سازی کرده است (بوبر، ۱۳۸۰، ص ۱۰۰). استعاره بوبر مبنی بر «کسوف خداوند» ناظر بر آن است که با گذشت عصری که نور الهی بر حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نیز علوم تجربی و فلسفه، غائب بوده است، دگر باره، امکان تماس نزدیک با حقیقت مطلقه فراهم خواهد شد و حضور خداوند به اشکال شگفت انگیزش دوباره فرصت جلوه و ظهور پیدا خواهد کرد (بوبر، ۱۳۸۰، ص ۱۵). ظاهراً این کسوف، مقارن با وقوع انقلاب اسلامی ایران به پایان رسیده است.

مفروضات

۱- رابطه علم و دین در جهان غرب و جهان غیر غرب (اسلام) سرگذشت متفاوتی داشته است. به رغم آنکه در جهان غرب این نسبت تعارض یا تباین بوده است، در جهان اسلام سازگار و مکمل ساز یکدیگر بوده‌اند (بنگرید: فغفور مغربی، ۱۳۸۴، صص ۱۱۹-۱۰۵).

۲- دین به مثابه ابژه شناسایی: دین چگونه متعلق شناسایی در علوم و رشته‌های گوناگون قرار گرفته است؟ همان گونه که از زمانی «علوم انسانی مدرن» شکل گرفت که انسان، خود ابژه شناسایی در حوزه‌های گوناگون علم قرار گرفت. سید قطب اشاره می‌کند که از لحظه‌ای به بعد سبک بیانی قرآن، فصاحت و بلاغت آن و موضوعاتی از این دست موضوع شناسایی قرار گرفت. در حالی که مسلمانان صدر اسلام و نسل اول، قرآن را به عنوان راهنمایی در عمل و برای عمل مطالعه می‌کردند (سید قطب، ۱۹۹۳، ب) در این نوشتار دین به مثابه ابژه شناسایی نیز از جمله مفروضات است و آن را از محدوده این بررسی خارج می‌کنیم.

«دین به مثابه سوژه شناسایی»، موضوع و مدعای این نوشتار است. دین به مثابه یک سوژه شناسا چگونه به شناسایی سیاست، سیاست داخلی کشورها و سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل و پدیده‌های سیاسی پرداخته و می‌پردازد؟

گزاره‌های دینی و ماهیت علم

آیا روش علمی (تجربی) موسوم به Science تنها راه یقین آور است؟ به بیان و استقهام انکاری «باربور» آیا روش علمی (تجربی) تنها راه و راهنمای موثق برای رسیدن به حقیقت است؟ (باربور، ۱۳۷۹، ص ۱). بنابراین مفهوم «علم» و علم گرایی می‌تواند مورد بازبینی قرار گیرد. برداشت پوزیتیویستی از علم و منحصر کردن آن به مشاهده، تجربه حسی و نفی هرگونه حقیقت غیر مادی

و معرفت غیر تجربی و غیر حسی و نادیده گرفتن تفاوت میان علوم طبیعی و فیزیکی با علوم انسانی است (ازمریان، ۱۳۸۰، صص ۲۴۱-۳۳۹). با بررسی این نکته می‌توان به نوعی تلقی خاص از «علم» دست یافت که باید برای آن مفهوم سازی و واژه سازی کرد. به طور مثال می‌توان گفت «علم مسلمین» که اشاره به منظومه‌ای از گزاره‌ها دارد که مسلمانان همگی به آن باور دارند و برای مسلمانان یقین آور است؛ یعنی همان کاری را انجام می‌دهد که «Science» برای مغرب زمین انجام می‌دهد. با این تفاوت که نوعی خاص از علوم انسانی است که خاص جوامع مسلمان نشین است. بنابراین هر شیوه‌ای که ما را به «معرفت یقینی» برساند شیوه‌ای علمی و دستاورد آن «شناخت علمی» خواهد بود. هر چند که نظام استدلالی آن متفاوت از نظام علوم تجربی باشد. مانند شناخت وحیانی که با ساز و کار خاص خود، معرفت جامعه شناختی، انسان شناختی وسیع و عمیقی را عرضه می‌کند (ازمریان، ۱۳۸۰، ص ۲۵۵).

معرفت وحیانی با آن آموزه‌های قطعی و یقینی می‌تواند «اشتباهات» رشته‌های علوم انسانی را تصحیح کند. چرا که منبع شناخت وحیانی، یقینی است. در حالی که بسیاری از منابع علوم انسانی، غالباً یقینی نیستند (ازمریان، ۱۳۸۰، ص ۲۶۱). به نظر ازمریان، «وحی اهمیت بسیاری در ارزیابی منابع معرفتی جامعه شناسی و جهت دادن به پژوهشگر مسلمان برای اجتناب از اشتباهات دارد» (ازمریان، ۱۳۸۰، ص ۲۶۲). رنه گتون هم در نقد علوم تجربی جدید می‌گوید «علوم جدید در صورت جدید ثبات خود را از دست داده است؛ زیرا با اتصال به اصول می‌توانست، تا اندازه‌ای که موضوع آن اجازه می‌داد، در تغییر ناپذیری آنها سهیم باشد، در حالی که اکنون کاملاً به «دنیای تغییر» محدود شده است. نه هیچ چیز پایداری در آن می‌توانید پیدا کنید و نه هیچ نقطه ثابت قابل تکیه‌ای در آن یافت می‌شود (گتون، ۱۳۸۸، ص ۷۳).

- کشف «قوانین ثابت، عام و کلی» اجتماع که به عنوان معیار علمی شدن جامعه شناسی، مطرح است (ازمریان، ۱۳۸۰، ص ۲۷۴)، دست کم به صورت قضایا و گزاره‌های یقینی، امکان پذیر نیست. این آرمان فراتر از توان انسان است (همان، ص ۲۷۶ و ۲۷۴).

- پژوهشگران مسلمان باید در کنار ارج نهادن به دستاوردهای علم جامعه شناسی، به «امکانات وحی» در طرح مجموعه‌ای از قوانین عام که پدیده‌های اجتماعی در حرکت تاریخی خود تابع آن

۱. در اینجا نیز چون معرفت قدسی، بشری می‌شود، باز هم احتمال خطا و اشتباه وجود دارد. اما چون مواد خام، یقینی است، لذا احتمال خطا کمتر می‌شود. ثانیاً آسیبی به «دین» نمی‌رساند و ابطال پذیری آن را به دنبال ندارد.

هستند و نیز در اعطای سیمایی «پیش گویانه از آینده» سیر عامی که انسان رو به آن دارد، مدنظر داشته باشند (همان، ۲۷۶).

بر مبنای پیش فرض های متافیزیکی، آدمی می تواند افزون بر «حواس»، از مجاری دیگری کسب معرفت کند و به حقایقی دست یابد که حس و تجربه در دستیابی به آنها نقشی ندارد:

الف- رویای صادق؛ ب- علم لدنی؛ ج- الهام و وحی، انواعی از این معرفت ها هستند.

روای صادق: قرآن در سوره یوسف (ع)، با ذکر چند مورد رویای صادق به این حقیقت اشاره می کند که در عالم خواب، مجرای برای کسب معرفت به روی آدمی گشوده می شود و این موارد، خواب حضرت یوسف (ع) است. او در خردسالی، خوابی دید که سالیان بعد تحقق یافت و اسرار آن برایش آشکار شد. مورد دوم خواب های دو تن از زندانیانی بود که با حضرت یوسف (ع) در زندان بودند. حضرت یوسف (ع) با تعبیر خواب هایشان آنها را از سرنوشت شان آگاه ساخت. مورد سوم خواب عزیز مصر بود که حضرت یوسف (ع) آن را تعبیر کرد و دیری نپایید که این خواب تحقق یافت.

علم لدنی: معرفت دیگری است که بدون واسطه اندام های حسی کسب می شود و موهبتی است که خداوند به انسانهای خاصی عطا می کند. برای مثال حضرت خضر (ع) با استمداد از این علم کارهایی کرد که شگفتی حضرت موسی (ع) را در پی داشت.

وحی: وحی نوع خاصی از معرفت است که خداوند به قلب انبیاء می رساند و حواس در کسب آن نقشی ندارند. الهام نیز وجه دیگری از معرفت است که از سنخ اشراقات ربانی است و انسانهای خاصی، بدون واسطه حواس آن را درک و کسب می کنند؛ اما سیر فلسفه در مغرب نشان می دهد که از قرن هفدهم به بعد، بیشتر فیلسوفان غرب به شناخت شناسی روی آورده، از متافیزیک روی گردان شدند (سجادی، ۱۳۸۰). دفع متافیزیک از حوزه عقل نظری، نه تنها در علوم طبیعی به جریان افتاد، بلکه در علوم انسانی نیز ادامه یافت. بر اساس رویکرد ماتریالیستی، علوم طبیعی و سپس انسانی بر مبنای مقولات مشاهده پذیر و مادی و روش شناسی تجربی استوار شدند و تمام آنچه به حوزه متافیزیک مربوط می شد، به نام امور غیر علمی، از قلمرو مطالعات علمی خارج گشت (علم الهدی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۳). وقتی پیش فرض های متافیزیکی مربوط به انسان کنار گذاشته می شوند، ابعاد وجودی انسان مانند پدیده های مادی، تحقیق و بررسی می شوند، انسان در حد یک «شیء تنزل» می یابد و از شأن روحانی او غفلت و در نتیجه، تصویری ناراست از ظرفیت ها و توانمندی های او ترسیم می شود. در این نوع پژوهش های روان شناختی و علوم تربیتی که منشأ

فلسفی آنها اثبات‌گرایی بوده است، به پیش فرض‌های متافیزیکی توجه نشده است؛ رویکرد اثبات‌گرایی بر سکولاریسم مبتنی است (محسن پور، ۱۳۸۸، ص ۲۶).

گزاره‌های دینی اعتقادی و تولید علم

گزاره‌های دینی چگونه می‌تواند در جهت دهی به ساخت کلان گزاره‌های دینی و انسجام بخشی به یافته‌ها و اصول موضوعه جزئی کار ساز واقع شود؟ عقلانیت اسلامی، چگونه می‌تواند برای علوم تجربی ابزاری، هدف‌سازی کند و بدان معنایی متعالی و انسانی دهد؟ و یا مبنایی برای فرضیه‌سازی و ایجاد سازه نظری قرار گیرد. به طور مثال از اشارات دین در خصوص موضوعات مطرح در حوزه علم می‌توان ایده و فرضیه گرفت. به طور کلی فرایند پژوهش و تولید علم را در دو فاز تعریف می‌کنند: اول فاز خلاق و فرضیه‌سازی و دوم فاز انتقادی و آزمون فرضیه (فرگاس، ۱۳۷۳، صص ۳۷۰-۳۶۸). بنابراین از گزاره‌های دینی می‌توان دست کم در فاز خلاق علم و فرضیه‌سازی استفاده کرد. نظیر وجود موجودات زنده در سایر سیارات نحوه باروری، جاذبه و کروی بودن زمین، تصویر کلی جهان خلقت و مسئله آفرینش (افتخاری، ۱۳۸۶، ص ۹۷). بنابراین هرگونه اخباری که در متون دینی معتبر در باب «امور واقع» بیان شده است، از آنجا که آگاهی نسبت به واقع است، «علم» می‌باشد و یا اینکه می‌تواند جایگزین مابعدالطبیعه علوم قرار گیرد و یا پایه پژوهش‌های تجربی قرار گیرد و به عنوان فرضیه در نظر گرفته شود و مورد آزمون قرار گیرد (فتحعلی خان، بی تا، ص ۷۵)

به این ترتیب «بازگشت خدامندی و خدا محوری» به جهان و جهان سیاست، رخ خواهد داد و «کسوف خداوند» به پایان می‌رسد و معنویت‌گرایی در جامعه، سیاست، روابط بین‌الملل رخ خواهد داد. در نگاه بومی‌سازی مبنایی، «امر اضافی» و «امر متعالی» وجود دارد. رئالیسم و واقعیت بینی‌ها و مشاهدات عینی و محسوس (عالم شهادت) نفی نمی‌شود. بلکه بررسی عالم شهادت یعنی مادیات و محسوسات فی نفسه حائز ارزش و اهمیت است (بنگرید: دهقانی، ۱۳۸۹، ص ۵۴). بلکه در نگاه توحیدی، بحث آن است که بررسی محدود و محصور در محسوسات نباشد. بررسی مادیات، دنیا، محسوسات و توجه به آنها شرط لازم است اما شرط کافی نیست. بلکه «امر اضافی» یک «جزء اضافی» یک «توجه اضافی» هم باید وجود داشته باشد و آن «معنویات»، «متافیزیک»، «آخرت»، «روح» است.

بنابراین چون هستی دو ساحتی است. انسان دو ساحتی است. اسلام دو ساحتی است. پس سیاست و اجتماع و تمدن سازی نیز باید دو ساحتی باشد. هر یک از این اجزاء و پدیده ها در صورتی که به یک بعد فرو کاسته شود، بحران آفرین خواهد شد. ماده اصل است. اما معنویت در درون مادیت رشد می کند. مرحوم مطهری هم به این مطلب اشارت داشته است (مطهری، بی تا).

- تمدن سازی امروز ایران هم متفاوت از تمدن سازی مغرب زمین است در تمدن سازی ایران جمع دو ساحت «مادی و معنوی» به طور توأمان مد نظر است امری که نوعی تناقض نما و پادوکسیکال و جمع اضداد می نماید یکی از دشواری های تمدن سازی در همین امر است.

- در کارکرد دولتها نیز همین نکته بارز می شود. دولت اسلامی، نوعی کارکرد تربیتی و ارتقای سطح معنویت شهروندان و اتباع و بندگان خدا را نیز علاوه بر کارکردهای متعارف بر عهده دارد.

گزاره های اخلاقی دین و تولید علم

اخلاقیات اسلامی چگونه می تواند تسهیلات و امکانات پژوهشی جدید و بی مانندی را جهت افزایش بازدهی علوم تجربی و انسانی فراهم کند؟ قدرت نرم اخلاق اسلامی چگونه می تواند، قدرت سخت آزاد شده ناشی از پیشرفت های تکنولوژی را مهار کند؟ و آنها را در توازن منطقی به پیش برد؟ می توان موارد ذیل را مدنظر قرار داد:

- انگیزه های خلوص برای خداوند، انگیزه های قدرتمندی را در خدمت تولید علم قرار می دهد، همان سان که این انگیزه ها برای رزمندگان اسلام، انگیزه های قدرتمندی فراهم می کند و او را آماده پرداخت هزینه حداکثری می کند.

- تقوای پژوهشگر نیز بنا به بیان صریح قرآن کریم می تواند قدرت تمایز و تشخیص او را تقویت کند: ان تقوا الله يجعلکم لکم فرقانا (انفال/۲۹).

- «تهذیب نفس» نیز فهم انسان را در مقولات علمی تیزتر می کند: لیس العلم بالتعلیم انما هو نور یقذف الله فی قلب من یشاء.

- امدادهای غیبی در تولید علم نقش ممتازی دارد. همان سان که در اخلاقیات بزرگان علمی است که در لحظات فهم دشوار مطالب و ناکامی در حل معضلات علمی به نماز متوسل پیدا می کردند.

- در اخلاقیات علمی است که دانشمند مسلمان نباید هیچ کار، هر چند تعلیم و تعلم و پژوهش علمی او را از یاد خدا باز دارد والا آن کار مطلوب نخواهد بود: رجال لا تلهیهم تجاره ولا بیع عن

ذکر الله (نور / ۳۷) هیچ چیز نه تجارت نه معامله نه کلاس و نه مباحثه علمی و پژوهش نباید مومن را از یاد و ذکر خداوند باز دارد.

- بسیاری از گزاره‌های اخلاقی می‌تواند دستمایه فرضیه‌سازی و نظریه‌سازی در حوزه‌های گوناگون علمی قرار گیرد. نظیر روایت اخلاقی «الغیبه جهد العاجز»؛ و یا آیه شریفه «فاستخف قومه فاطاعوه ... (زخرف / ۵۴)

گزاره‌های فقهی دین و تولید علم

احکام فقهی و دینی و تجویزهای آن و جستجو در جهت کشف فلسفه احکام و منطق چرایی و یا چگونگی آن، به چه نحوی می‌تواند الهام‌بخش دانشمندان در علوم تجربی و انسانی قرار گیرد؟ در یک جامعه دینی چگونه باید از گزاره‌های فقهی به عنوان چارچوب پژوهشی مفروض نظیر «حرمت ربا» در علم اقتصاد و یا «امانت بودن قدرت در علم سیاست» بهره گرفت؟ نقوی حرمت فقهی «ربا» را در سیستم سازی اقتصاد اسلامی در محور سیاستگرایی اقتصادی به گونه‌ای علمی نشان داده است (نقوی، ۱۳۶۶، صص ۸۹-۱۰۲).

به عنوان مثال گزاره فقهی درباره روزه داری «صوموا تصحوا» روزه بگیرد تا سلامت جسمی داشته باشید می‌تواند به عنوان فرضیه‌ای درباره نقش روزه در سلامت جسمانی در علم پزشکی مورد آزمون قرار گیرد. توصیه‌هایی درباره جهت بدن در خوابیدن با این استدلال که چیز باطلی در دین راه ندارد می‌تواند دستمایه فرضیه‌سازی قرار گیرد (افتخاری، ۱۳۸۷، ص ۹۷).

قوانین به دست آمده از این فرایند به دلیل اتکای آن بر منابع وحیانی و تکیه بر فطرت تغییر ناپذیر انسانها، ماندگارتر و بادوام‌تر است (بنگرید: گنون، ۱۳۸۸، صص ۷۳-۷۲).

گزاره‌های دینی در گذشته درخشان علم

هابسون در کتاب «ریشه‌های شرقی تمدن غرب» به نقش ادراکات اسلامی در اعتلای تمدن غرب جدید و مسلط موجود و الهام‌بخشی علوم مسلمین به طور تفصیلی پرداخته است. «خلاصه آنکه دانشمندان اسلامی و فلاسفه و عالمان مسلمان، تأثیر زیادی در تفکر اروپایی داشتند. متفکران غربی با شبیه‌سازی این ایده‌ها، توانستند از آموزه آیین کاتولیک، یعنی حاکمیت معنویت، به ایده مرکزیت فرد برسند. افزون بر آن مسلمانان آغازگر پذیرش «عینیت» و فرایند تجربه علمی بودند که بعدها انقلاب علمی اروپا را تحت تأثیر قرار داد.» (هابسون، ۱۳۸۷، ص ۱۷۳).

وی با اشاره به تأثیرگذاری رازی، فارابی، ابن سینا به طور خاص به تأثیرگذاری ابن شاطر در نجوم و ستاره شناسی بر کپرنیک اشاره می کند «متخصصان دیگری نیز استدلال کرده اند که کپرنیک مدل های ابن شاطر را اقتباس کرده است. کپرنیک به حق پیرو مکتب مراغه شناخته شده است (همان، ص ۱۷۵) و می افزاید: «با توجه به آنچه گفته شد، تأثیر تفکر اولیه مسلمین از رنسانس اروپایی بسیار فراتر رفته و الهام بخش انقلاب علمی اروپا بوده است. این گفته بیکن که علم باید بر انجام آزمایش مبتنی باشد و این ایده که دستیابی به حداکثر سود با اعمال تقسیم کار ممکن است، کلمه به کلمه همان استدلالهایی هستند که دانشمندان پیشین مسلمان بیان کرده بودند (همان، ص ۱۷۵). سید حسین نصر نیز در کتاب «معارف اسلامی در جهان معاصر» نیز تأثیرات معارف دینی در شکل گیری علوم در قلمرو جهان اسلام و معاصر را مورد بررسی قرار داده است (نصر، ۱۳۷۱).

گزاره های دینی به مثابه ظرفیت جدید نقادی

گزاره های دینی چگونه می تواند ظرفیت نقادی جدیدی برای علوم انسانی و سیاسی فراهم کند و به مثابه شاغولی، خطای جهت گیری آنها را اندازه گیری و افشا کند؟ «می توان گزاره های علمی را به دین عرضه کرد و مواردی که با مسلمات دینی در تعارض است و دین آنها را تأیید نمی کند، کنار گذارد (فتحعلی خانی، بی تا، ص ۷۵).

گزاره های دینی و معنویت دهی ساختاری به علوم انسانی و سیاسی

دو زیستی بودن و دو ساحتی بودن محققان علوم انسانی با سمت گیری اسلامی از نکات قابل ذکر در این عرصه است. همچون موجوداتی که هم می توانند در خشکی و هم در آسمان به طور توأمان زندگی کنند، محقق باید هم علل مادی را بررسی کند و هم علل معنوی و مرتبط با توحیط افعالی را بررسی کند و این دو در طول یکدیگرند. به همین دلیل کار دشواری است. محقق باید علاوه بر علم انسانی تخصصی خود در حوزه علوم اسلامی هم تا حدودی صاحب نظر باشد.

گزاره های دینی و نقش وحدت دهی به اجزای پراکنده علوم طبیعی، انسانی و اسلامی

گزاره های کلان دینی نظیر «توحید» می تواند «وحدت در کثرت» علوم بعد از دوره رنسانس را تأمین کنند. این وحدت بخشی می تواند در کارآمدی و معنا بخشی آنان بسیار کار ساز افتد (چیتیک، ۱۳۸۸، ص ۷۱). علوم طبیعی با همه تنوع اش و علوم انسانی و تجربی و حتی معارف دینی

در شاخه‌های گوناگون آن و دنیا شناسی با غایت آخروی و آن جهانی‌اش و پدیده‌های متکثر طبیعی آن در همه عرصه‌ها به محوری واحد به نام توحید پیوند می‌خورد و معنادار می‌شود.

گزاره‌های دینی در قالب سنت‌های قرآنی

قوانین علوم انسانی و سیاسی به اقتضای ذات خود در بلوک‌های کلان یکصد ساله و چند ساله و بعضاً هزار ساله مندرج است. بنابراین پژوهشگر علوم انسانی به دنبال کشف و بیان این قواعد کلی در پدیده‌های انسانی است؛ اما این قوانین خارج از ظرفیت وجودی و طول عمر کوتاه وی است. دانشمندانی چون «بدن»، «مارکس» و جز آن به قوانین انسانی و اجتماعی مندرج در تاریخ اشاره کرده‌اند؛ اما قرآن کریم قرن‌ها قبل برای اولین بار بر «قانونمندی تاریخ» تأکید ورزیده است و انسانها را به کشف و آموختن این قوانین و عبرت‌گیری از آنها ترغیب کرده است. قرآن کریم از این قوانین تاریخی در انسان و جامعه و تاریخ و طبیعت با عنوان «سنت» یاد کرده است.

امام علی (ع) نیز به مطالعه تاریخ جوامع گذشتگان و کشف قواعد آن تشویق کرده است: «پسرم! درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام؛ اما در کردار آنان نظر افکنده‌ام و در اخبارشان اندیشدم و در آثارشان سیر کرده‌ام. تا آنجا که یکی از آنان شده‌ام. بلکه با مطالعه تاریخ آنان، گویا از اول تا پایان عمرشان با آنان بوده‌ام. پس قسمت‌های روشن و شیرین زندگی آنان را از دوران تیرگی شناختم و زندگانی سودمند آنان را با دوران زیانبارش شناسایی کردم، سپس از هر چیزی مهم و ارزشمند آن را و از هر حادثه‌ای، زیبا و شیرین آن را برای تو برگزیدم. (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، نامه ۳۱، فراز ۳۳-۳۲).

- «سنت»، طریقه و روشی است که خداوند برای تدبیر جهان اتخاذ فرموده و قوانینی است که به فرمان الهی بر جهان حکم فرما می‌باشد و به معنای قانون مستمر است: قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین (آل عمران/۱۳۷): پیش از شما هم مللی بوده‌اند. در زمین سیر و گردش کنید تا عاقبت و سرانجام کسانی که وعده‌ها و آیات الهی را تکذیب کردند و هلاک شدند، مشاهده کنید.

- سنت‌های الهی قابل تغییر و تبدیل نیستند: سنه الله التی قد خلت من قبل و ان تجد لسنة الله تبدیلاً (فتح/۲۳) سنت الهی بر این بوده است و ابداً در این سنت خداوند تغییر نخواهد یافت.

- ممکن است برخی از سنت‌ها بر برخی دیگر حاکم باشد، به طور مثال «توبه» و پذیرش توبه که خود از سنت‌های الهی است، می‌تواند مانع از اجرای برخی از سنت‌های دیگر شود: قل للذین

کفر و ان ینتهوا یغفرلهم ما قد سلف و ان یعودوا فقد مضت سنت الاولین (انفال ۳۸): (ای رسول ما، به کافران بگو اگر از کفر خود، دست بردارید و به راه ایمان باز آید، گذشته شما بخشوده می- شود (و عقوبت نخواهد شد) و اگر به کفر و عصیان روی آورید، سنت الهی مانند گذشتگان در انتظار شماست (برای بررسی بیشتر بنگرید: مهاجری، ۱۳۶۱، صص ۱۸-۴).

قرآن کریم، خرد و اندیشه بشر را در این جهت بیدار می کند که صحنه تاریخ، سنت ها و قوانینی دارد و تو به عنوان یک انسان برای آنکه انسانی فعال و کارآمد باشی باید آن سنن و قوانین را کشف کنی تا بتوانی حاکم بر آنها باشی و گرنه محکوم آن سنن و قوانین خواهی شد (سلیمانی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰).

- در بررسی «سنت ها» می توان آن را به «سنت های اجباری و اختیاری» تقسیم بندی کرد. سنت های اجباری آن دسته از سنت هایی است که اراده انسان در آن منفعل است و تحت تأثیر اراده انسانها نیست. نظیر «سنت مرگ» بیولوژیک که خارج از اراده انسان است؛ اما دسته دوم، سنت های اختیاری است که انسانها در تحقق و عدم تحقق آن نقش دارند، در سنت اختیاری، اراده انسان فعال است و تلاش می کند با تغییر و تحول دادن پدیده های علی، پدیده های معلولی را تغییر دهد. نمونه ای از سنت اختیاری، سنت هایی که به صورت قضیه شرطیه در قرآن آمده است و ارتباط دو رخداد اجتماعی را به این شکل بیان کرده است که اگر رخداد اول تحقق یابد، تحقق رخداد دوم حتمی است. همچنین انسانها می توانند با کنترل رخداد اول، تحقق رخداد دوم را سرعت بخشند و یا به تأخیر اندازند و یا حتی آن را کاملاً منتهی سازند (صدر، ۱۴۲۴، ص ۷۸). در بررسی سنت ها باید تمرکز بر سنت های اختیاری باشد که انسان بتواند در تحقق آن اثر گذاری و نتایج مترتب بر رفتارها را متحول سازد (حیدر کوشا، ۱۳۸۹، ص ۴۱).

- بر منبای مطالعه سنت ها در قرآن می توان به جمع بندی زیر دست زد:

الف) سنت ها حضور خداوند را در سلسله علل توجیه می کند. ب) نقش انسان را در شکل گیری سنت ها نشان می دهد. ج) رابطه علی میان پدیده ها را مورد توجه قرار می دهد. د) ساز و کارهای تحقق سنت را آشکار می سازد (حیدر کوشا، ۱۳۸۹، صص ۴۴-۴۳ و ص ۵۲).

شهید محمدباقر صدر یکی از دانشمندانی است که در آثار خود به طور محوری به این نکته توجه کرده است. عمومیت این سنت های تاریخی بر همه ادوار یکی از نکات مورد تأکید است. این نکات بر همه انسانها اعم از مؤمن یا غیر مؤمن صادق خواهد بود.

برای نمونه، همه انسانها بر اساس «سنت آزمایش» آزموده خواهند شد و یا همه به تعالیم انبیاء دست خواهند یافت. استدلال ایشان بر این حقیقت استناد به این آیه است: «این روزگاران، حکومت‌ها را به تناوب میان مردم می‌گردانیم» (آل عمران/۱۴۰)

مسلمانان در جنگ بدر پیروز شدند، چون شرایط لازم و منطقی پیروزی مطابق با سنت‌های تاریخی برای موفقیت را کسب کرده بودند. در جنگ احد، آنجا که شرایط به گونه‌ای ترتیب یافته بود که بر اساس قوانین و معیارهای سنت، محکوم و مجبور به شکست می‌شدند، شکست خوردند. "اگر در جنگ (احد) آسیبی به شما می‌رسد (در جنگ بدر) به آن گروه (دشمن) نیز آسیبی همانند آن رسیده است. و این روزگاران (پیروها) را به تناوب میان مردم می‌گردانیم" (آل عمران /۱۴۰).

قرآن می‌خواهد در این تقریر بگوید که چنین می‌پندارید که پیروز شدن یک حق خدایی برای شما مسلمانان است. پیروزی حق طبیعی برای شماست تا آن اندازه و در صورتی که بتوانید شرایط لازم و کافی آن را بر اساس منطق سنت‌های تاریخ همان سنت‌هایی که خداوند به طور تکوینی وضع کرده است، فراهم آورید و چون این شرایط در جنگ احد فراهم نبود، شکست خوردید (صدر، ۱۳۶۹، ص ۸۰).

حتی قرآن افقی دورتر را نشان می‌دهد و همین گروه انسانی یعنی مسلمانان را که پاک‌ترین و بی‌آلایش‌ترین گروه‌ها در صحنه تاریخ بوده‌اند، تهدید می‌کند و این خطا را متوجه آنان می‌کند که اگر وظیفه و رسالت خود را به انجام نرسانند، رسالت آسمانی تعطیل نخواهد شد، بلکه گروه دیگری جایگزین آنان خواهند شد زیرا سنت‌های تاریخ آنان را کنار می‌زند و گروه دیگر و بهتری را جایگزین آنان خواهد کرد. یعنی شرایط لازم را برای ارائه جهره یک ملت شاهد و حاضر در صحنه را داشته باشد، بر سر کار خواهد آورد.

- الا تنفروا یعدیکم غداً ألیماً و یتبدل قوماً غیرکم (توبه / ۳۹)

- یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دین فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه (مائده /

(۵۴)

«اجل» همگانی یک جامعه: برخی از آیات قرآن مجید از مرگ «امت‌ها» خبر می‌دهند. وی یکی از سنت‌های الهی را نبودی امت‌ها مطرح می‌کنند یعنی همان گونه که عمر هر انسانی آغاز و انجामी دارد، جوامع نیز عمر داشته و پس از پایان یافتن عمرشان به مرگ مبتلا می‌شوند.

- لکل امه اجل اذا جاء اجلهم فلا یتأخزون ساعه و لا یتقدمون (یونس/۴۹)

- لکل امه اجل اذا جاء اجلهم لا يستأجرون ساعه و لا يستقدمون (اعراف/۳۴)
اجل، به «امت» یعنی وجود دسته جمعی مردم نسبت داده شده است و نه به فرد خاص. جوامع و امت‌ها هم دارای مرگ می‌باشند.

سنت یاری و نصرت اهل حق: خداوند در این باره می‌فرماید: ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما یأتکم مثل الذین خلوا من قبلکم مستهم البأساء و الضراء و زلزلوا حتی یقول الرسول و الذین آمنوا معه متی نصراله ان نصرالله قریب (بقره/۲۱۴). شهید صدر بر این باور است که این آیه بیانگر سنت یاری و نصرت الهی به مؤمنان پس از تحمل سختی‌ها و استقامت در راه حق است. یکی از سنت‌های الهی حاکم بر تاریخ، نصرت و پیروزی اهل حق در مبارزه با اهل باطل است ولی این سنت مشروط به پایمردی و تحمل شداید و بلاها و استقامت در میدان جهاد با کفر است (سلیمانی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲).

بیان سنت تاریخی در قالب مصداق: سنت تأثیر «زیر بنایی انسان» در تغییرهای اجتماعی. برخی مکتب‌های بشری اراده و اختیار انسان را مقهور ساختارهای جامعه و تاریخ می‌دانند ولی شهید صدر معتقد است از نظر قرآن و سنت‌های قرآنی در تاریخ، تغییرات اجتماعی به دست انسانها و اراده و اختیار افراد انجام می‌شود نه جامعه و تاریخ. بنابراین نه تنها افراد محکوم اراده جامعه نیست، بلکه انسانها، سنگ بنای تغییرهای اجتماعی به شمار می‌آیند. به این آیه توجه کنید:

«ان الله الایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» (رعد/۱۱). شهید صدر با توجه به آیه مزبور، محتوای درونی و روانی و فکری انسان، زیر بنا و وضع اجتماعی، روینا را تشکیل می‌دهند. این روینا جز به تبع تغییر در پایه و دگرگونی در زیرینا، تغییر و دگرگونی نخواهد پذیرفت (سلیمانی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۷).

سنت تأثیر عدالت در رفاه اجتماعی

یکی از قوانین حاکم بر تاریخ این است که رعایت تقوا به مثابه متغیر مستقل موجب افزایش نعمت‌های مادی و معنوی (متغیر وابسته) می‌شود. شهید صدر با استناد به ۳ آیه، این سنت را بیان می‌کند.

- ولو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض ولكن کذبوا

فاخذناهم بما کانوا یکسون (اعراف/۹۶)

- و ان لو استقاموا علی الطریقه لاسقیناهم ماءً عذباً (جن/۱۶)

- ولو انهم اقامو التوراه و الانجیل و ما انزل الیهم من ربهم لا کلو من فوقهم و من تحت
ارجلهم (مانده/۶۶)

این سه آیه از رابطه‌ای معین سخن می‌گویند. رابطه بین پایداری و اجرای احکام خدا در صحنه عمل (متغیر مستقل) با فراوانی خیرات و برکات و تولید و تمدن‌سازی (متغیر وابسته). شهید صدر می‌گوید: بر اساس قانون و سنت تاریخ پیاده کردن ادیان و مذاهب الهی و کاربرد جدی دستورات و احکام دینی در روابط توزیع، همیشه و به طور مستمر، فراوانی تولید ازدیاد محصول و افزایش ثروت را به دنبال دارد و در نهایت به گشایش درهای خیر و برکت از آسمان و زمین بر روی مردم منتهی می‌شود و این نیز یکی از سنت‌ها و قوانین تاریخ است (سلیمانی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۱).

سید قطب یکی از اهداف «قصص قرآنی» را اشاره به همین سنت‌های تاریخی در قرآن کریم می‌داند. تا خوانندگان آینده از این قصه‌ها عبرت‌گیری کنند. برای عبرت‌گیری این پیش فرض باید پذیرفته شود که نوعی مشابه‌سازی به طور مثال در داستان بنی اسرائیل و نسل‌های امت اسلامی در ادوار گوناگون وجود دارد. بدون باور به این نفس الطریق بودن راه یگانه بشریت در طول تاریخ و نیز وجود لغزش گاه‌های مشابه در این راه برای امت‌های گوناگون، عبرت‌گیری معنا نخواهد داشت (سید قطب، ۱۹۸۲، جلد ۲، ص ۱۰۴۵).

نقش گزاره‌های دینی در قاعده‌مند کردن رفتار مؤمنان

آیا گزاره‌های ثابت دینی می‌تواند رفتارهای مؤمنانه را همچون رفتارهای عقلانی در نظریه انتخاب عقلانی اولاً قاعده‌مند و ثانیاً قابل پیش‌بینی کند؟ در رهیافت انتخاب عقلایی گفته می‌شود. انسانها عاقل هستند. انسانها دنبال سودطلبی، لذت‌طلبی‌اند. انسانها رفتاری هدفمند، حسابگراییانه دارند. این رفتار عقلایی فردی بعدها در قالب عقلانیت معطوف به خود (یک بعدی) یا عقلانیت معطوف به خود و دیگری به طور توأمان (عقلانیت استراتژیک) تبدیل به رفتار سیاسی و جمعی می‌شود. همانگونه که دست نامرئی آدام اسمیت نمونه اولی و تئوری بازی‌ها و معمای زندانی نمونه دومی می‌باشد (بنگرید: منوچهری و همکاران، ۱۳۸۷، صص ۵۱-۴۹ و مارش، ۱۳۸۴، صص ۱۵۷-۱۲۹). بنابراین در روش‌شناسی انتخاب عقلانی اول آنکه باید «اهداف» انسانها تعریف شود. دوم آنکه باید ابزارها و وسائل و رفتارهای احتمالی برای آن هدف شناسایی و ماتریس بندی شود (لیتل، ۱۳۷۳، ص ۶۵). این بحث نظری می‌تواند به منزله مقدمه‌ای برای ورود به بحث رفتار مؤمنانه تلقی شود.

در هستی‌شناسی می‌توان چنین گفت که در «دنیای مؤمنان» این مفروضات وجود دارد: اول آنکه جهان شهادت (ظاهر و ماده) و جهان غیب هر دو وجود دارند. دوم آنکه اعتقاد مؤمن به خداوند، پیامبر (ص) و هدایت پیامبرانه و نیز آخرت و مرگ اندیشی موجب هنجارپذیری رفتار سیاسی وی می‌شود. سوم آنکه هنجارهای مذهبی نه تنها تولید رفتار و رفتار سیاسی می‌کنند، بلکه رفتارهای قاعده‌مند، یکسان، مستمر و پایدار می‌کنند. چهارم آنکه به دلیل قاعده‌مندی رفتار مؤمنانه رفتار انسانها از حیث علمی، بهتر مطالعه می‌شود و هستی‌شناسی رفتار انسانها منظم‌تر می‌شود و چون منظم‌تر و تکرارپذیرتر می‌شود، در نتیجه قابل فهم و قابل پیش‌بینی‌تر می‌شود. پنجم آنکه به دلیل یکسان بودن و ثابت بودن قواعد دینی برای همگان و همه مؤمنان، با جهانی منظم‌تر و ماندگارتر و غیر قابل تغییر پذیرتری مواجه می‌شویم. در حالی که در عقلانیت فردی افراد، سلاقت گوناگون، ذهنیت‌های متفاوت و منافع و سود و زیانهای متنوع وجود دارد و همواره سیال و شناورند بنابراین استخراج از رفتارهای مؤمنانه به مراتب آسان‌تر از رفتارهای صرفاً عاقلانه است. ششم رفتار مؤمنانه هم بر مبنای عقل و هم بر مبنای شرع است. در واقع در هستی‌شناسی آن با «امر اضافی» مواجه‌ایم؛ یعنی شرع هم به عقل اضافه شده است و آن را تحت تأثیر قرار داده است و بر نقاط قوت انتخاب عقلانی افزوده است و بدان جهت داده است و عقلانیت توأم با معنویت بهتر می‌تواند رفتارها را قاعده‌مند کند، چون مصلحت سنجی شخصی نمی‌کند. در چنین سطحی از عقلانیت است که فداکاری‌ها و ایثارگری‌ها هم عقلانی می‌شود؛ بر خلاف عقلانیت سوداگرایانه که در توجیه آن بعضاً وامی‌ماند.

هفتم در یک فرضیه رابطه‌ای و همبستگی می‌توان چنین اظهار داشت که به میزانی که اسلام انسان مسلمان به اسلام حق نزدیک‌تر شود و به میزانی که یقین و ایمان فرد بیشتر می‌شود، به همان میزان رفتارش قاعده‌مندتر، منظم‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر می‌شود. در حد اعلائی آن رفتار معصومین مؤمنان تمام عیار، کاملاً قاعده‌مند و قابل پیش‌بینی است؛ یعنی قواعد اسلامی، تکراری، ثابت و قاعده‌مند است. پس رفتارهای مؤمنانه هم تکراری و قاعده‌مند است.

هشتم همان سان که دیوانگی موجب بروز اختلال و اختلال در فرایند نظریه انتخاب عقلانی می‌شود؛ یعنی مفروض اساسی و بنیادین نظریه عقلانی، عاقلانه رفتار کردن انسان است. تمام فرضیه‌های بعدی بر این اصل مبتنی است. حال اگر فرد دیوانه باشد، معنای آن این است که رفتارش معطوف به هدف، فایده، سود، استراتژی و ابزار نیست، پس قابل تکرار و قابل پیش‌بینی

نیست. اکنون به همان قیاس در رفتارهای مؤمنانه نیز دو آفت اساسی است. الف) رفتار فاسقانه (ب) رفتار منافقانه.

فاسق بر خلاف مؤمنان، رفتارهای مستمر و قاعده‌مند متأثر از ارزش‌های دینی ندارد. به همین دلیل «عدالت» یکی از مهمترین شرایط امامت، حاکم و مدیران ارشد نظام سیاسی در اسلام است؛ زیرا عدالت و تقوا موجب می‌شود که فرد دارای رفتارهای تکرارپذیر، قاعده‌مند و قابل پیش‌بینی باشد. همین پیش‌بینی‌پذیری معطوف به آینده است که اطمینان آور و موجب اعتماد سازی به او برای انتخاب یا انتصاب او به مسئولیت‌های عالی رتبه مدیریتی است. بر عکس «فاسق» به دلیل فسق یعنی هنجار شکنی‌اش در قیاس با مؤمن قابل اعتماد نیست؛ یعنی رفتارهای منظم و تکراری و قاعده‌مند ندارد. به همین دلیل قرآن کریم می‌فرماید: «ان جانکم فاسق بناء فتبینوا» (حجرات/۶). یعنی اگر فاسق، خبری به شما آورد، بدون تبیین و تحقیق نپذیرید؛ زیرا رفتارش قاعده‌مند نیست و ممکن است در خبر رسانی دروغ گفته باشد.

منافقان نیز رفتارهایی قاعده‌مند و مستمر و پایدار ندارند. هر چند که در ظاهر در جهان مؤمنان زندگی می‌کنند. همین «نفاق» موجب می‌شود که در اعتقادات و باورها و رفتارهایش ثبات ندارد و چون ثبات ندارد فهم، توضیح و پیش‌بینی آن دشوار است. چون در جوهر فاقد هم‌گونی است. حتی فهم رفتار کافران آسان‌تر از فهم رفتار منافقانه است. بنابراین رفتار مؤمنانه سه آفت دارد: رفتار سفیهانه و احمقانه؛ رفتار فاسقانه؛ رفتار منافقانه.

نتیجه‌گیری

گزاره‌های دینی می‌تواند در اندیشه سیاسی و علوم سیاسی باروری داشته باشد. گزاره‌های دینی می‌تواند به صورت قیاسی و حرکت از کل به جزء مفهوم سازی کند و یا در جهت دهی به علوم کار ساز باشد و برای علوم هدف آفرینی کند و در سیاست‌گذاری علمی مؤثر افتد. گزاره‌های دینی می‌تواند یا امکانات پژوهشی جدیدی خلق کند و یا به طور غیر مستقیم بستر اخلاقی و روحی و روانی مناسبی برای پژوهش حداکتری فراهم کند و با خلق فضای معنوی، ان را در حال و هوای دیگری به پیش برد و محقق را آماده پرداخت هزینه بیشتری در راه پژوهش کند. گزاره‌های دینی می‌تواند به مثابه شاغول، خطای علوم تجربی را اندازه‌گیری کند و امکانات نقادی بیشتری را با اتکا به منابع شناختی راسخ‌تر فراهم کند. گزاره‌های دینی با طرح خطوط قرمز و اصول قطعی مفروض چهارچوب‌های پژوهشی خاصی را طرح می‌کند و یا مبنا سازی و شالوده سازی می‌کند. گزاره‌های

دینی می‌تواند به مثابه فرضیه‌های قابل آزمون در فرایند دو مرحله‌ای تولید فرضیه یا آزمون فرضیه نقش آفرینی داشته باشد. گزاره‌های دینی در فضای ایرانی و جهان اسلامی که نوعی گسست در مقوله علوم انسانی و ارداتی از غرب وجود دارد، می‌تواند کارآمد باشد؛ زیرا شکاف علم تجربی و دانش فلسفی در جهان غیر غرب را می‌تواند پر کند. گسستی که در خاستگاه غربی آن وجود ندارد.

فهرست منابع

- فارسی

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ازمریان، محمد (۱۳۸۰). علوم اجتماعی از اثبات‌گرایی تا هنجارگرایی. ترجمه عبدالقادر سواری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- استفورد، مایکل (۱۳۸۲). درآمدی بر فلسفه تاریخ. ترجمه احمد گل محمدی، تهران، نشر نی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۶). شناخت دینی؛ بهره‌های روش شناسانه قرآن کریم در حوزه علم، در علیخانی و همکاران: روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، صص ۶۷-۱۰۹.
- باریه، موریس (۱۳۸۰). دین و سیاست در دنیای مدرن، تهران.
- باربور، ایان (۱۳۷۹). علم و دین، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- بویر، مارتین (۱۳۸۰). کسوف خداوند: مطالعاتی در رابطه دین و فلسفه. ترجمه عباس کاشف، ابوتراب سهراب، تهران. نشر و پژوهش فرزانه روز.
- تقیان، رضا (۱۳۸۵). بررسی پیشینه نظریه مکمل در باب علم و دین، مجله آینه معرفت، شماره ۸، تابستان ۱۳۸۵.
- چیتیک، ویلیام (۱۳۸۸). علم جهان، علم جان. ترجمه امیر حسین اصغری، تهران، اطلاعات.
- حیدر کوشا، علی (۱۳۸۹). پژوهشی در الگوی مطالعه سنت‌های اجتماعی در قرآن. فصلنامه معرفت فرهنگی و اجتماعی، شماره ۲، بهار.
- دهقانی، جلال (۱۳۸۹). مبانی فرا نظری نظریه اسلامی روابط بین‌الملل. فصلنامه روابط خارجی، شماره ۶، تابستان.
- سید قطب (۱۹۹۳). الف. التصوير الفنی فی القرآن کریم، قاهره، دارالشروق.

- سید قطب (۱۹۹۳). **ب. المعالم فی الطریق**، قاهره، دارالشروق.
- سید قطب (۱۹۸۲). **فی ظلال القرآن**، قاهره، دارالشروق.
- سجادی، مهدی (۱۳۸۰). **تبیین رویکرد استنتاج در فلسفه تعلیم و تربیت**. تهران، امیرکبیر.
- سلیمانی، جواد (۱۳۸۹). **سنت مندی تاریخ در قرآن از منظر شهید صدر**. فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، شماره ۲۵، بهار ۱۳۸۹، صص ۹۳-۱۱۴.
- صدر، سید محمد باقر (۱۳۶۹). **سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن**. تهران، رجاء.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۴). **المدروسه القرآنیه**. قم، دارالکتب الاسلامی.
- علم الهدی، جمیله (۱۳۸۶). **چرخش از عالم دو قطبی به جهان سه درجه‌ای**. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۲۰.
- فاروقی، اسماعیل (۱۳۸۵). **اسلامی سازی معرفت در مجید مرادی**، تدوین و ترجمه، اسلامی سازی معرفت، قم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فتحعلی خانی، بی‌تا، **علم دینی**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فغفور مغربی، حمید (۱۳۸۴). **جستاری کوتاه در رابطه علم و دین**. فصلنامه آینه معرفت، شماره ۶، تابستان.
- گنون، رنه (۱۳۸۸). **بحران دنیای متجدد**، تهران، حکمت.
- لیتل، دانیل (۱۳۷۳). **تبیین در علوم اجتماعی**، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران، صراط.
- مارش، دیوید و جری استوکر (۱۳۸۴). **روش و نظریه در علوم سیاسی**. ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محسن پور، بهران (۱۳۸۸). **نقش پیش فرض‌های متافیزیکی در تحقیقات روان‌شناسی**، **مجله روش‌شناسی علوم انسانی**، ش ۵۹، تابستان ۱۳۸۸.
- مطهری، مرتضی (بی‌تا). **انسان و ایمان**، تهران، صدر.
- مهاجری، مسیح (۱۳۶۱). **سنت‌ها از دیدگاه قرآن**، تهران، بی‌تا، ۱۳۶۱.
- منوچهری و همکاران (۱۳۸۷). **رهیافت و روش در علوم سیاسی**. تهران، سمت.
- نصر، حسین (۱۳۷۱). **معارف اسلامی در جهان معاصر**. تهران، امیرکبیر.
- نقوی، حیدر (۱۳۶۶). **جمع اخلاق و اقتصاد در اسلام**. ترجمه حس توانایان فرد، تهران، ناشر: مؤلف.
- هابسون، جان ام (۱۳۸۷). **ریشه‌های شرقی تمدن غربی**. ترجمه مسعود رجیبی و موسی عنبری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران